

حقیقت

شماره ۱۲۲ * ۲۶ خرداد ۱۳۶۰

اطلاعیه

درباره

توطئه علیه

بنی صدر

درباره

فاجعه

زلزله

کرمان

صفحه ۹

صفحه ۹

رقمتهای کارگر! برای مقابله با توطئه کودتای ضد ملی و کشتار وحشیانه مردم متحد شوید و از هم اکنون اعتصابات را سازمان

دهید!

بدانیدای برادران
وخواهران کارگر، اینهاست
که مقدمات محاکمه و احیاناً
ترور بنی صدر را فراهم میکنند
از قبل توافقات خود را با
آمریکا بر سر جنگ کرده اند و
جبهه های جنگ بزودی جای خود
را به میزهای مذاکره و سازش با
عراق خواهد داد و طبق توافق
تبلی میان حزب حاکم و دولت
خائن رجائی - شیوی با
"شیطان بزرگ" یعنی آمریکا
بخشی از خاک وطن و جزایر سه
گانه و شط العرب از دست خواهد
رفت. آنها همان بلائی را بر
سرنوشت ملت ما خواهند
آورد، که بر سر ما برای اشغال
لانسه، جاسوسی و گروگانها
آوردند. در آنجا ۵ میلیارد
دلار از اموال ملت ایران
بقیه در صفحه ۲۰

مخالفت با استبداد و خیانت
ملی برخاسته و اعتراض میکنند
و فتوای او برای کشتار وحشیانه
نه در کارخانجات، روستاها،
بازار، مدارس، خانه های
مردم فاصله زیادی نداشته
است.

چون فلاحی و اکنون، زمینه سازی
برای دستگیری و محاکمه بنی-
صدر، کام دیگری در همین
راه است. کام اصلی هم سرانجام
مرا خواهد رسید و برنا مه، مشخص
کودتای یعنی برقراری حکومت
نظامی در شهرها و کشتار جمعی
متعهدین به انقلاب و آزادی
و استقلال کشور آغاز خواهد شد.
میان فتوای خمینی برای
بیکرد و دستگیری کسانی که به

توقیف روزنامه های
مخالف دولت و تلاش گسترده
امضاء کنندگان قرارداددهای
ننگین الجزایر، بالیبوس،
کروپ و غیره برای حذف رئیس
جمهور کشور بمعنای اجرای
کام به کام یک توطئه کودتا-
گرانه است. برکناری بنی صدر
از فرماندهی کل موا و سپردن
فرماندهی نیروهای مسلح کشور
بدست شیمسارهای محرم صاه

رهنمودهای

۹ گانه

زیر را بخوانید
و بکار گیرید:

ارتجاعیون
حزب الهی
را به گورستان
بفرستید! صفحه ۲۰

صفحه ۷

اخبار
چند
روز
اخیر

چرا مجله آمریکائی درست در جریان
کودتای حزبی، نقشه تجزیه ایران را
چاپ میزند؟ صفحه ۱۰

پیام به همه کمونیستهای ایران
دست از انفعال، روشنفکری بازی و قافیه
پردازی بکشید، بیاید متحد شویم که توفان
بزرگی در پیش است

استقلال آن بلکه حتی تمامیت
آن، در خطر جدی میباشد.
ارتجاع نوکیسه و مزدور حاکم در
کار اجرای یک کودتای
وجساده و حوسین است و نخستین
قربانیان این کودتا
کمونیستها هستیم. تمام
مدرسه های امپریالیستی و
سوسیال امپریالیستی در کنار
تشویق و تحریک توطئه گران
بقیه در صفحه ۳۰

هواداران کمونیسم در ایران!
ای رهبران منصف و اعصاب
با وجدان گروه های کمونیستی!
با کمی واقع بینی و
اندکی سم سیاسی میسوا
در یافت که کشور وارد چاه در-
س بحران سیاسی خود در دو
سال و نیمه اخیر، سراسر
انقلاب بهمن، شده است.
انقلاب ایران در سرفنا بودی
کامل است و کشور، به صرما

سرمقاله ...

بقیه از صفحه اول

را هم روی کروکانهای جاسوس گذارده به آمریکا تحویل دادند و پای تمامی تعهداتی که به آمریکا میخواست بی ثمرانه امضاء گذاردند. اکنون در اینجا هم همین کار را خواهند کرد؛ هم سروته جنک را با سازش خفت باری بهم خواهند آورد و هم بخشی از خاک وطن را تسلیم دشمن تجا و زککار خواهند کرد. تاکنون هیچ خاکنی چنین ضربه هولناکی را بروحدت و روحیه رزمندگان جبهه ها، با این تغییرناکیها نی و بدون دلیل و منطقی فرما ندهی آنها، نیاورده بود و چنین خدمت بزرگی به صدام تجا و زک نشده بود.

بدانیدای برادران و خواهران کارگر که طراحان لایحه وحشیانه قصاب، که به خاطر یک کیسه آردا نکشت قطع میکنند دست را زیر سا طوری برند، نه تنها هم اکنون چندین قرارداد کوچک و بزرگ با انحصارات امپریالیستی، با نکها و مقاطعه کاران بین المللی در جیب دارند بلکه بزدلی مستار و کارشناسان آمریکا و روسیه و انگلستان و آلمان و ژاپن هم برای سپردن اقتصاد ارتش و سپاه به دست آنها خواهند آورد، چنانکه شورای نکهان استبداد حاکم ارتقا انجام چنین کاری را با شید و تصویب کرده است. مکتب اسبها همان مکتب محمد رضاهاست، و جمهوری اسلامی باب میلشان همان جمهوری

اسلامی ضیاء الحق فاشیست و آمریکائی است. این موجودات تشنه مال و مقام بهمان سبک و روش دربار غارتگر پهلوی. از هم اکنون تمام بودجه کشور را بر اساس فروش و تحویل ذخایر نفتی کشور قرار داده و با زبهمان نیوه سابق درآمدهای ارزی کشور را در راه واردات بنجل از خارجه یعنی در راه منافع مشتی دلال انحصارگروا ربا با نسان خرج میکنند.

ولی این دزدها و غاصبان قدرت، این روحانیون جاه طلبی که بنام مذهب و مکتب کلاه بر سر مردم میگذارند و بنام مبارزه با غرب زدگی و شرق زدگی به غرب و شرق عشوه میفرشند و با اربابان شاه معدوم مغالزه میکنند، از این هم بدترند. آنها چون قادر به حکومت و حفظ زمام امور کشور در این اوضاع بحرانی نیستند و ۱۴۰۵ سال از واقعات دنیای کنونی عقب اند، سر انجام کشور را به چنان فلاکت و درهم با شیدگی خواهند گذاشت، که فردا هر گوشه ای از این سرزمین بلا گرفته را دارو دسته ای مرتجع و نوکریکانه بدندان بگیرد و به شمول خود تبدیل کند. در سایه حاکمیت این اراذل خیره سر و خودخواه و مال و منال پرست میهن از چهار سو مورد تاخت و تاز همسان یگان مرتجع و اربابان نشان قرار خواهد گرفت، خوزستان و کردستان و بلوچستان و جزایر خلیج و حتی بخشهایی از مناطق مرزهای آذربایجان و خراسان از دست خواهد رفت و فتودالها دردهات و سرما یه داران انحصارگرو و محتکرو دلال بیگانه در شهرها بر مال و جان و ناموس توده های زحمتکش کاملاً مسلط خواهند شد و ویرانی و قحطی و فلاکت اقتصاد و کشت و گشت را بهای بی منطق همه کارا فرا خواهد گرفت. کار به جایی خواهد رسید که مدعیان دروغین

جمهوری زمام همه امور کشور را با ردیگر بدست سلطنت طلبان، شاهپرستان و نظامی ها خواهند داد و به مدح و ثنای شیان روزی آنها خواهند پرداخت. امروز آقای نبوی پست فطرت امضای خیامی، این کمپرادور بزرگ و درباری معروف، را برای بستن قرار دادهای مونتاژ با شرکتهای انگلیسی گذاشتی میکنند؛ و فردا همین خیامی و خیامی ها و همپالکی های شاهپرست و ارتشی آنها را به قدرت خواهد رسانند.

ای رفقای کارگر! ای کسانی که با اعتصابات سرسختانه، خویش کمرشاه خائن و رژیم منحوس و اراکستید، انقلاب ایران در شرف نابودیست، وطن در خطر است، خون شهدا را لگدمال کردند، به مردم و کشور خیانت کردند، آنها را که میگویند دعوا بر سر اسلام و گذاشت دروغ میگویند، و خودشان هم میدانند که از دروغگویانند. اسلام آنها همان اسلامی است که ویلhelm حائل امپراطور آلمان و هیتلر فاشیست برای ایران و ممالک شرق تجویز میکردند؛ همان اسلامی است که شترق شناسان جاسوس امپراطوری انگلیس برای پیش کتاب و جزوه چاپ میزدند؛ همان اسلامی است که آمریکا در هیبت رژیم سرسپرده و جنایتکار ضیاء الحق در پاکستان و سوهارتوی جلاد در اندونزی پیاده کرد؛ و همان اسلامی است که ابر قدرت سفاک روس به مدح و ثنای آن مشغول است و نوکران خبیثش آنرا با نظرات تبهکارانه خود یکی دریا فته اند.

اسلام آنها همان اسلام شیخ فضل الله نوری مفسد و خائن است، که با دربار محمد علی شاه و لیا خوف قزاق و امپراطور سفاک روس علیه مردم ایران و انقلابیون کبیر مشروطه ساخت و در حالیکه آذربایجان زیر

مهمیز سپاهیان غارتگر تر از ارتش میسخت فتوای قتل عام آذربایخواهان و مجاهدان انقلابی را داد.

اسلام آنها همان اسلام آیت الله کاشانی آن عضو مجلس موسسان رضا خانی و مداح سلطنت پهلوی، همدست آلمان هیتلری و بعدها آمریکای غارتگر، است که با دربار محمد رضا شاه و زاهدی کودتاچی و آیزنها و ررئیس جمهور آمریکا علیه ممدق و نهضت خدا میرسان لیستی مردم ایران ساخت و در روزهای خونین کودتای شوم ۲۸ مرداد با او باش و چاقو کشان حرفه ای خود به جان مردم افتاد.

اسلام آنها همین اسلام او باش حزب اللهی یعنی مشتی هرزه گردی بنا موس و خود فروخته در شهرهاست که با سنگ و چوب و پنجه بکس و چاقو و کلت و ۳ به جان مردم افتاده، لباس دختران را پارها ره می کنند، پستان زنهارا می برند و حتی به کودکان خردسال چند ماهه هم رحم نمی کنند، تمامی مردمی که در تظاهرات های حق طلبانه و اعتراضی این چند روزه شرکت داشته اند شادند بر تمامی این فجایع و بی شرافتی ها.

دعوی امروز جامعه، مسایر آزادی است؛ بر سر انتخاب میان آزادی یا استبداد است، میان شرافت ملی یا خیانت ملی است، میان استقلال کشور یا نوکری ابر قدرت ها است، میان جمهوری و دشمنان جمهوری است. این دولت، این مجلس، این شورای عالی قضائی، این کمیته ها و دادگاهها و ستاد ارتشی که زیر فرماندهی جدید تشکیل شده است، همگی لانه های فساد و خیانت، کثام کودتاچیان و مراکز دشمنی با انقلاب و مردم ایران است. تمامی آنها دوستان صدام حسین فاشیست

پیام به همه
گمونیستها...

بنفیه از صفحه اول
حاکم هستند و برای اعمالشان کف میزنند.

چنانچه توطئه کمران در خانات عظیم خود به انقلاب و کسور پیروز شوند، همه چیز از دست خواهد رفت. در پی آن سازش خفت با رونتگینی بر سر جنک مقاومت عادلانه ملت ما با ناعا و رگاران فاشست عراقی صورت خواهد گرفت. در پی آن کشور از چهار سو مورد تاخت و تاز همسایگان مرتجع و اربابان سان قرار خواهد گرفت؛ قطعی و ففرو فلاکت بر همه ما خواهد گسترده؛ همدار و دسته مرتجعی بخشی از کشور را بدندان گرفته تیول خود خواهد کرد؛ کشت و کشتارهای غیر منطقی در همه جا بر آه خواهد افتاد. عاقبت آن با نابودی کشور خواهد بود و با ظهور یک رضا خان جدید.

دعای کنونی صرفا دعوی میان حزب حاکم و ریاست جمهوری، میان خمینی و بنی صدر، میان دودسته سرمایه دار، میان دوراهی که بیک جا ختم نشود، نیست. دعای کنونی میان انقلاب و ضد انقلاب، میان شرف ملی و خیانت ملی، میان آزادی و استبداد، و میان جمهوری و دشمنان جمهوری است. دعای کنونی میان وطن فروشی ها، میان مثنی باغی خیره سر، ابرقدرتها و نوکران ریز و درشتان از بگس و از سوی دیگر توده های عظیم ملت ایران، همه نیروهای متعهد ترقی خواه ملی و همه توده های ستمدیده است در

چنان که به سر نوشت و نتیجه انقلاب مردم ما چشم دوخته اند، وظیفه ملی و وجدان انقلابی کمونیستها حکم میکند که در سنگر دفاع از انقلاب و کشور بایستاده، خویش را بیاخیزند و مردم را در شیل به اتحاد و شکل و حرکت برای برانداختن کودتاگران حاکم و سرکشی بدخواهان و دشمنان نظام برسانند.

کمونیستها باید متحدان در همه جا برچم اتحاد بزرگ توده های سراسر کشور را برافرازند، آنها را به اعصاب، تظاهرات و راهپیمایی، سردادن هرگونه فریاد اعتراض و سرانجام قیام دعوت کنند و در عین حال نشان دهند که آنها پیشقراولان و مدافعان راستین استقلال و شرف ملی مردم ایران هستند. باید ضعیف دفاع از مرز و بوم کشور را برایتان و زکات را بر مزدورکنونی و آماجی در برابر تجاوز کاران ظمیکار آتی، کارحکام خیانتکار و فاسد موجود را بیکسره کرد، توده های محکمی به آنها زد و مردم را در راه برپا داشتن یک حکومت انقلابی منبعت از خودشان و منکی بر اتحاد همه طبقات و نیروهای متعهد به آزادی و استقلال کشور هدایت و حمایت کرد.

همچنین کمونیستها لازمست در این شرایط خطیرو مرحله حساس از تکامل مبارزات مردم ایران از بنی صدر بعنوان رئیس جمهور کشور در برابر دار و دسته ارتجاعی و خائن مسلط حاکم حمایت کنند، و در همه جا نشان دهند که حامی و پناه واقعی همه شخیصها، افراد و نیروهای هستند که با استبداد و تزویر و وطن فروشی زمامداران مبارزه میکنند و در هر حالت در برابر خیانتکاران سرفروشی آورند.

باید همگان را دعوت کرد که با خواسته های تاکتیکی انحلال دولت و مجلس و شورای عالی قضائی و کمیته ها و همه

دستگاه های تحت سلطه و حاکمیت ارتجاع، برجیدن بسط دستجات توطئه گر، مستبد و مزدور بیکانه، لغو و ابطال قراردادها و تعهدات فدملی جدید، آزادی طرفداران جریانات ترقیخواه و عنا صر ملی و آزادیخواه از زندانها، محاکمه و مجازات خائن به انقلاب و کشور و مانند آنها به مسارزه سرخیز و صفوف خود را هر چه فزوده ترو متحدتر گردانند. با بد طبقه کارگر متحد تر از هر زمان و با شاعت کامل در سیمایش با بر بخشهای مردم پایش گذارد.

ای برادران و خواهران کمونیست! بیایید متحد شویم که توفان بزرگی در پیش است! چنانچه متحد شویم کار چندانانی سوانیم کرد و بلکه سیم آن می رود که در صورت عدم تحرک، انفعال و بیاساز کاری دیگران ما نیز نابود شویم و شکست بر همه بخشهای جنبش انقلابی و ملی جیره گردد. اما چنانچه ما متحد شویم، چنانچه نیروی عظیم و برانگیزه و بعضا منفعل جنبش کارگری و کمونیستی بهم برآید، آنها یعنی حکام خائن و اوباش و جا قویشان هوا داران شان هیچ غلطی در این کشور نتوانند کرد و مرکمان حتمی خواهند گشت. چنانچه ما از انفعال، روشنفکری بازی و قافیه پردازی های رایج دست برداریم و متحد شویم، رویز یونیم فاسد، خائن و فاشیست توده ای - اکثریتی هم رسوا و نابود خواهد شد و دشمنان بدل اربابان نشان خواهند داد.

ما باز هم تکرار میکنیم و میگوئیم که دست از شوریهای جعلی و منحوس فدا رگبستی، ضد لنینیستی و ضد آموزشهای مرجعیت دوره ما یعنی مائو - تسه توک، که مثنی روشنفکر بوالهوس در میان جنبش ما رواج داده اند و ما جنبش ما را با هوسبازی های کودکانه،

تحلیل های مجعول و ذهنی و موضع گیریهای بنکین خود بدبخت کردند، و بزرگترین خدمات را به رویونیسم - تبهکاری رولی خدعه گر توده ای (و اکنون همخنین اکثریتی) کرده و میکنند، بردارید و استوار بر بارهای مسلکی و آموزشهای مراجع بنجگانه، کمونیسم با سستید و متحد شوید. ای رفقای کارگر! روشنفکر کمونیست! تصفیه کنید صفوف خود را و در اتحاد تعجیل کنید و در این نبرد و تقابل بزرگ مرگ و زندگی متفعل نشتید، به پریشان اندیشی میدان ندهید، برانگیزی نپذیرید و مبارادار این کیر و دار تاریخی دست تنها نگذارید، که اگر بموقع و سرعت اتحاد شود پیروزی از آن ما و از آن مردم ما خواهد بود.

سرمقاله...

بنفیه از صفحه ۲

و مقاله های باز مانده، اسرار فراری محمد رضا شاه و ساواک و آخوندهای درباری اند. نمونه آنها بهشتی مکار است که در گذشته مواجب خود را از بودجه ویژه، نخست وزیری هویدا می گرفت؛ با هنر که مشا و رفرو روی با رسا سوگلی مجلس فرما پیشی شاه بود؛ خامنه ای که عکس او با هویدای معدوم در کنار سایر آخوندهای درباری توسط همه کس مشاهده شده است. و یا کماتی چون رنجبر و پرورش و بشارتی و کیاوش و عسکرا و لادی ساواکی و یا قول همکاری داده به ساواک که وکلای حزب منحوس حاکم را در مجلس تحمیلی کنونی تشکیل میدهند.

ای رفقای کارگر! باید دویارها را از نو شروع کرد و برای نجات انقلاب و کشور، سقیه در صفحه ۱۱

رهنمودهای ۹ گانه زیر را بخوانید و بکار گیرید:

ارتجاعیون حزب الهی را به گورستان بفرستید

آنان اعلام داشته اند، همینطور در تمامی موسسات خدماتی، ادارات و غیره مستخدمین و کارمندان آنها با بد برای انحلال انجمنهای اسلامی و اخراج دستجات حامیان و جاسوسان خبیثه و اغصاب کسب.

۵- باید در گروهها و دستهها و صفوف مختلف بهر طریق ممکن ارجاع آوری طومار گرفته تا برگزاری راه پیمایی و تظاهراتها از بنی صدرخواهیم تا طبعاً به در مقابل آنها حمایت فاسقانه حزب حاکم و دارنده خائن و دسب به عمل رند. همه مردم اعلام می کنند که از هر اقدام هر چند بد و ناپسند، بر اساس در برابر دولت، مجلس، دستگاه قضایی، جاسوسان و حزب ارتجاعی رهبری کسب شده آنها حمایت نخواهند کرد.

۶- دسته جات حامیان، ساواکی، توده ای و اکبریتی که امروزه زیر نام حزب اللهیه احتماعات مردم حمله میکنند و از حزب منحوس برای برقراری حاکمیت ارتجاعی خود هستند، باید بجای خود نشان دهند. باید در هر محله، کارخانه و ادارای که هستیم این افراد شناخته شوند و محل زندگی و فعالیت آنها را مشخص کنیم تا در موقع خود حق آنان را کف دستشان بگذاریم. ۷- جوانان و دانش آموزان هر کجاست و محله همچون دوران پسر تکه مبارزه بر علیه شاه خائن با یستی به شعار نویسی و بسزورک نویسی بروی دیوارهای شهر بردارند. در انجام این کارها از شعارهای دینار میتوان استفاده نمود:

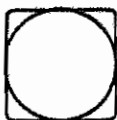
مرکز بر استبداد در پرده دین
مرکز بر نوکری ابرقدرتها در پرده دین
حزب چماق بدستان، باید به گورستان

برچیده با دسلانه، توطئه و فساد: دولت رجائی، شورای قضائی، مجلس کذائی
بنی صدر، بنی صدر مقامت و مقامت
بنی صدر عمل کن حمایتت میکنیم
مرکز بر بهشتی.....

۸- اخبار کلیه مبارزات و فعالیتها و مشترک علیه حزب و خیانتکاران حاکم را از طریق مختلف چون شبکه تلفنی به یکدیگر به شهرستانهای دیگر منتقل کنید. همچنین برای گسترش اخبار این مبارزات در سطح کشور خبر نوشته شده ای را بدست پخش کنندگان نشریات نیروهای انقلابی همچون نشریه "حقیقت" برسانید.

۹- نشریه "حقیقت" و دیگر نشریات انقلابی و مترقی را بهر شیوه و طریقی که میتواند تکثیر کرده و در میان هم میهنان خود پخش کنید. اخبار و مقالات این نشریات را دست نویسی کرده و به دیگران برسانید.

رهنمودهای بعدی متعاقباً اعلام خواهد شد.



خدی است که حزب ارتجاعی حاکم در دنیا له خبیثتهای وطن فروشان و اعدای کس خود میخواند و بیک کودتای سرانقلاب ما را بر سرده و موضع خود را در قدرت کامل و مستحکم کرداد. اینکار را در روبرو بنی با یوسف روبرو با انقلاب اسلامی و حیدر و ربا مه دیگر آغوش و فعالیتها و جناح داران این حزب ادا می نماید و بیس سرود، در مقابل مردم تهران بهران با اعزامات خود و بطنها بی که در شهران برقرار کردند. همان دادند که با حیدر و بطن سلطه، ساداسی و مرجعین سیاسی

امروزه بر هر ایرانی آرا داده و علاقه مند است. لال می بین است که در مقابل این سرحدات و هر یک در هر حالتی که هستیم و تمامی حامیان و متحدین با این سازمانها و کیم، در بسیاری از مواضع فعالیتها و بر اساسی در دستور کار قرار گرفته اند:

۱- نویسندگان آرا داده می بین با یستی فعالیت در مقابل بنی یوسف مطبوعات اعتراض کنند. آنها با بهر گونه همکاری با مطبوعات "فانوسی" و وابسته به دستگاهها را محکوم کرده و از طریق همکاری با مطبوعات غیر فانی و انقلابی و مترقی، انتشار مطالب افشاگرانه، سرکات مخفی و سایر بهر صورت آگاهانه و خراش حوس در حال حاضر و در روبرو.

۲- در شرایط کنونی لازمست کلیه روزنامه ها و مجلات وابسته به ارتجاع بجرم سود، برای مطلع شدن از اخبار مبارزات مختلف و وضع جاری در حال حاضر همچون دوران شاه با یستی بر دامن و سایر مطبوعات غیر فانی و فانی، اطلاعات و سنا مه ها افزود و از جمله با کمک به نشریات نیروهای متعهد انقلابی و ملی امکان استقبال و بخش اخبار را توسعه داد. بدین سان بحریم همکاری روزنامه ها و فانی از فانی "جمهوری اسلامی" "اطلاعات" و "کشان" و "مردم" و دیگر ورق باره های ارتجاعی با موفقیت کامل توانم خواهد گشت.

۳- در اعراض به نوطه ها و اقدامات ضد انقلابی دولت و حزب ارتجاعی حاکم بر صمد و سمانی محوس آنها با یستی تحریم کردند. را دیوها و تلویزیون ها را در ساعات پخش اخبار خاموش کنید.

۴- حزب ارتکانهای سرکوب خود را مدتهاست که در کلیه واحدهای تولیدی و خدماتی و ادارات بوجود آورده و هیچیک از هم میهنان ما نیستند که بطریقی گزند این ارتجاعیون به آنها نرسیده باشد. امروز در جریان مبارزه عظیم مردم ایران علیه سلطه حزب و ارتجاع حاکم، وقت آنست که کارگران غیر متمسکین مبارز ایران در ادامه مبارزات گوناگونی که تا حال علیه این مرتجعین داشته اند برای بیرون ریختن چماق داران حزبی از کارخانجات برخیزند. کارگران کارخانجات باید برای برچیدن انجمنهای اسلامی دست به اغصاب بزنند. هم اکنون نفتگران دلیبرالایسکا هتیرا برای انحلال انجمن اسلامی در اغصاب بر میگردانند و نفتگران با لایسکا هتیرا نیز حمایت خویش را از

کارنامه مجلس شورای

اسلامی (۲)

کاردوم مجلس

متوجه شدید چه "مشکل" بزرگی است. این آئین نامه در برخی موارد، نکاتی نهفته است که به "بعضی" ها امکان "محبت" کردن غیرلازم را میدهد، و اتفاقاً این "بعضی" ها همان کسانی هستند که پیشنها داشتند "رای کمی" هم میآورد. اگر احزاب این معماران را هم کنیم، متوجه میشویم که منظور رئیس مجلس از "سما بندگان"، گروه اقلیت مجلس است. همان بعد از تعداد معدودی که کاهی اوقات فغانشان از بی عدالتی ها و خیانتها بلند میشود و فریاد میکنند، جناب رفستجانی میخواهد این "مشکل" را هم حل کنند! و بنا بر این خود شخما و اردما چرا شده اند و "فعلاً" نه "در راه رفع این مشکل میکوشند":

"..... من خودم در کمیسیون آئین نامه کار می کنم. هفت ساله ساعت در آنجا کار میکنیم این آئین نامه ها حدود یک تا دو بایه ما دیگری آماده میشوند."

انشاء الله تا "یک" یا "دو" یا "سه" ماه دیگر مشکل "اکثریت" مجلس حل خواهد شد و دیگر جناب رفستجانی را "که رئیس مجلس هستند مجبور" نمیکند "به بحثهای غیرلازم" که "رای کمی هم می آورند" توجه چندانی نکنند. این را میگویند استبداد قانونی حتی در درون مجلس شورای اسلامی! بکمال پیش عقلتان نرسید بکنند، تا "یک" یا "دو" یا "سه" ماه دیگر انجام میدهند. لابد حالا متوجه شدید که چرا "تاریخ" نویس ما به این اقدام "مثبت" را بدانداخت. چون اولاً جناب ایشان نمی خواستند به گذشته های خیلی خیلی دور!! یعنی آئین نامه های مربوط به دوران سحدرضا خان - بگردند، و ثانیاً ایشان "تاریخ" نویس اند و نمیخواهند به آینده های خیلی خیلی نزدیک دوسه ماه آینده بپردازند.

ولی قبل از آنکه از این مبحث بگذریم باید "آن" اقدام "مهم" دیگری یعنی "تعیین نام مجلس" را هم به اطلاع ملت برسانیم. در قانون اساسی مجلس خبرگان که خود این آقایان تصویب کردند، نام مجلس عبارت بود از "مجلس شورای ملی". ولی "اکثریت" حزبی که از هر چه ملی است بدش میآید، و اصلاً بویسی از ملت نبرده است این نام زیاد به مذاقش سازگار نبود، و بنا بر این طی یک اقدام "مثبت" دیگر، نام مجلس را به "مجلس ششورای اسلامی" عوض کردند. و اتفاقاً چه کار خوبی کردند، چون ما هر چه در مصوبات مجلس نگاه کردیم اثری از مبارزه ملی و فدا مهربا - لیستی از آن نیاقتیم. میتوان گفت که شاید تنها اقدام واقعی مثبت شان همین بوده است. [ظریفی میگفت که شنیده است، نمی خواهند تجارت را "ملی" کنند، میخواهند اسلامی اش کنند، نمی خواهند اموال امپریا لیستها و وابستگان را "ملی" کنند، میخواهند اسلامی شان کنند و برای خاطر همین هم "اسلام پناه" تا زگی ها زیده و کار "سازمان اقتصاد اسلامی" رونق بقیه در صفحه ۶

کار "تاریخی" و "مسبب" دیگری که مجلس شورای اسلامی پس از "تولد" خود انجام داد عبارت بود از تصویب "قانون آئین نامه داخلی". ویژه نامه گیها آنرا جزو "مهمترین" مصوبات مجلس شورای اسلامی میکندارد:

"مهمترین مصوبات مجلس شورای اسلامی عبارتند از: قانون آئین نامه داخلی، قانون تعیین نام مجلس و....."

"آئین نامه داخلی" که جزو "مهمترین" به حساب آورده شده است، عبارتست از یک رساله مفصلات و ضوابطی برای پیش برد ساختار، چگونگی رفتار سمانندگان و آراء فیصل امور. حشال اچاره دهد با آراء یکی از "خبرگان" در این "مهم" "ماهیت" و محتوای این مصوبه "مهم" مجلس شورای اسلامی را برای بنیان بار شو کنیم: این "حبره" کسی جز حجت الاسلام هاشمی رفستجانی رئیس این مجلس کذایی نیست. (سجاره ویژه نامه نویس ها آفدر عجله داستند کار "ویژه" ای انجام دهند که هر دو این مطالب را در یک "ویژه نامه" جا دادند):

"این آئین نامه ای که الان ما داریم بر اساس آن کار میکنیم تقریباً همان چیزی است که برای مجلس فرما بیی نوشته شده است!!"

سا برای این اعتراف معصومانه، یکی از "مهمترین"!! مصوبات مجلس "تقریباً" عبارتست از یکی زدن همان اراحتی که در دوران محمدرضا شاه در مجلس اجرا میگفت. جدا این نمایندگان "ام و امام" رحمتهای زیادی بخود هموار کرده اند! باید از "اکثریت" خط امامی مجلس که خیلی "نه غربی" هستند پرسید شما چه می کردید؟ مسافانه "تاریخ" نویس ما در مورد این کار "مسبب" و "تاریخی" اظهار نظری نکرده است و رازهای نهفته در این عمل "انقلابی" را بر ما مکتوف نساخته است و ما و ملت برای دوران "طولانی"!! در حکم این "کار" خواهیم ماند!

ولی گویا حتی این یکی از "مهمترین" ها هم برای "اکثریت" مستبد جنگ انداخته بر مجلس در سراپا دکرده است و تصمیم دارند که با تقوین آن یک اقدام "مثبت" دیگر در صفحات درخشان "تاریخ" ثبت کنند. جناب رفستجانی یکی از ۳ مشکل مجلس را همین آئین نامه داخلی میدانند:

"..... سوم همین آئین نامه ها است که مرا که رئیس مجلس هستم مجبور میکنند که به بحثهای غیرلازم در مجلس تن بدهم. چون نمایندگان بر اساس آئین نامه بخود حق میدهند که صحبت کنند. (جناب آنقدر "آزاد بخواه" تشریف دارند که حتی حق صحبت برای "نمایندگان" ملت نیز برایشان کران می آید) خیلی از پیشنها دات مدت ها وقت مجلس را می گیرد و رای کمی هم میآورد....."

کارنامه...

بقیه از صفحه ۵

گرفته است. البته اسامی مرکوبی "تاسعه" ای بیش نیست. و "تاسعه" را در ایران "سربازان" معروفه، خاص هم دست قلم رسان بریده خواهد بود و هم زبان سرحالان [!]
بگذریم و به کار خود ادامه دهیم. کارنامه مجلس شورای اسلامی را ورق بزنیم!

مجلس، ابزار تحکیم قدرت در دست حزب

اظهارنامه‌دانی روزنامه‌جمهوری اسلامی که فردای انتخاب باب مجلس اعلام پیروزی "خط امام" را کرده بود، البته بهیچ وجه بخود ننمود. در یکساله گذشته حزب جمهوری و "اکثریت" و البته بداندان موضح سان دادند که از مجلس به ما هر آنه‌ترین سبکی بمقا بله یکی را برارهای موثر تحکیم قدرت خویش، قبضه کردن و به انحمارد آوردن شؤون اقتصادی، سیاسی، نظامی، فرهنگی اسفاده کرده‌اند. حزب جمهوری ابزاری از قدرت سیاسی را به کف آورده بود که سربوین و طبعه، ناجسی بنام "مجلس شورای" "تاسدگان" طلب نفس بسته بود، ابزاری از قدرت سیاسی را در چنگ خود داشت که با مصالح - فقط با مصالح - "مظهر" اراده، ملت بود، ابزاری از قدرت سیاسی را در چنگ خود داشت که "امام" "تان بداند خبلی" "علاقه‌مند" بود، و بنا بر این بوقیحا نه‌ترین و قلدرم‌نشان‌ترین شیوه از آن سودجسته‌اند و سودهم خوا همدست - تا موقعی که ملت تکلیف خود را با این حزب و این اسباب و ابزار روشن نمایی.

اولین کشمکش بزرگ بر سر قدرت و با شرکت مجلس بین جناح‌های در قدرت، یعنی حزب جمهوری - بنما بندگی از سوز و دلالت‌های مرتجع و حرجی که محو اسبدهم حیران‌کننده بلعند اریکو، و سی صدر رئیس جمهوری از سوی دیگر سران انتخاب نخست وزیر روز کرد.

برای حزب جمهوری، یک نخست وزیر حزبی بمعنای چنگ انداختن بر بخش وسیع سرورمنه‌های همه‌جانبه‌تری از قدرت سیاسی بود: عبارت بود از کنترل سیاست خارجی، عبارت بود از کنترل وزارت نفت - این کنجینه‌گرا نیها!! عبارت بود از کنترل بازرگانی خارجی این کعبه، آمال دلان تا جریبیشه؛ عبارت بود از کنترل وزارت ارشاد، این بنکاه تبلیغاتی...؛ یک نخست وزیر حزبی عبارت بود از چنگ انداختن بر قوه مجریه مملکت و دستگاه عریض و طویل و جنبه‌های مهمی از شؤونات جامعه که در کنترل این قوه بود. بنا بر این روشن بود که تاپای جان!! برای به چنگ آوردن این مقام و موقعیت ایستادگی خواهد کرد. کنترل مجلس برای تحقق این امر حیاتی بود. آخر مجلس باید به نخست وزیر پای "اعتماد" میداد.

البته طبق "قانون اساسی" "تان قرار بر اینست که رئیس جمهور، نخست وزیر را نامزد میکند و سپس مجلس درمورد "اعتماد" یا "عدم اعتماد" به وی اظهار نظر میکند. بنی صدر پس از انتخاب باب مجلس و پس از آگاهی از پیروزی رقیب، و پس از آن

که آن هیات هفت نفره بررسی اسباب کار از بیس نبود؛ برای آنکه ما چاراز و دمیله بدهد، در پی انتخاب نخست وزیر افتاد و فصل از آنکه مجلس، "رسمیت قانونی" پیدا بد. روزنامه انقلاب اسلامی - ناسرافکار رئیس جمهور - در ۲۲ اردیبهشت ۱۳۵۹ حسن نوب: "نخست وزیر باید برنامهای که رئیس جمهور در جریان انتخابات ریاست جمهور، اعلام کرد و مردم با رای خود آن برنامه را انتخاب کردند، همساز بوده و آما دگی اجرای آن برنامه را داشته باشد"

ولی رقیب به این سادگی هازمیدان بدرستی رفت و نرفت روزنامه انقلاب اسلامی همان فردا این جواب را گرفت. مجلس هنوز رسمیت نیافته "قدرت" است "کرده بود"

"طبق قانون این حق برای مجلس محفوظ است که به کسی که شورای انقلاب و رئیس جمهور انتخاب کرده است رای تمایل بدهد یا ندهد. تلاش ما هم برای این است که شورای انقلاب و رئیس جمهور به تفاهم برسند، البته تفاهم و نه مصالحه."

هاشمی رفسنجانی (با مداد - ۲۳ اردیبهشت ۱۳۵۹)
البته جناب آقای بهشتی، از این هم رک تر تشریف داشتند و علنا - همانموقع - اظهار داشتند که حاضر به هیچگونه "مخالصه" ای با رئیس جمهور بر سر انتخاب نخست وزیر نیستند. حزب جمهوری "آدم" خودش را در این مقام میخواست. نه کمترین هم تر!! این کشمکش از اردیبهشت ماه شروع شد و تا مرداد ماه یافت. در این دوران فرازونشیب‌های بسیاری روی داد. اساسی بسیاری از طرفین برای احراز این مقام حدس زده میشد، روزنامه‌ها هر روز عکس چند نفر را بعنوان نخست وزیران احتمالی چاپ میزدند. بعضی روزنامه‌ها هم که از کمی خواننده رنج میبردند!! تا هی اوقات برای بالا بردن تیراژ، جنجال آميز، تیترمیزدند که "نخست وزیر انتخاب شد یا نشد!!" در این دوران هیاتهای گوناگون تشکیل میشدند و اندک به اندک به بررسی نامزدهای نخست وزیری و غیره و ذالک، بالاخره خمینی "پادرمیانی" میکند و طی گفتگویی در اوایل خرداد ماه شورای عالی قضایی "مشار"های نخست وزیر جدید را اعلام مینماید:

"حالا ما باید این مطلب را به مجلس شورای اسلامی بکنیم که با دیدیک دولت متدین، صدر صد اسلامي و قاطع" انتخاب کنند.

افراد آن روز و در قطعنامه‌های انجمنهای اسلامی و "نهادهای انقلابی" برای یافتن "مکتبی" و "جوان" و "قاطع" آغاز گشت. تا بالاخره این "گوهر تپناک!!" در وجود آقای محمد علی رجایی تجلی یافت و ایشان علیرغم عدم تأثیر در سیاست جمهوری - برخلاف "قانون اساسی" "شان البته - در مرداد ماه ۱۳۵۹ با ۱۵۳ رای به تصویب مجلس رسید! بدین ترتیب ملت ایران صاحب نخست وزیری گردید که هم "مقلدا مام" بود، هم "فرزند مجلس" بود و هم "برادر رئیس جمهور!!" ولی البته از آن نوع برادرانی که "میگویند" "هابیل و قابیل هم بودند!"

بنی صدر شکست خورده در این کشمکش - اعلام مینماید: "رجایی را مجلس به من تحمیل کرده است و من مسئولیت او را نخواهم پذیرفت."

و آن حزب یون به جوابگویی بر میخیزند و البته با قیافه‌ای حق بجانب و معصومانه میگویند: با این حساب "از هم اکنون ما محکوم هستیم و در آینده ایشان

اخبار مبارزات مردم

و

جنايات حزب چماق بدستان

کردند. جالب این بود که در همین لحظات اکثریتی ها در همان محل اعلامیه خوانده خود را بخش میکردند و تنها مورد حمله قرار نمی گرفتند بلکه مورد ستیاسی غلنی پاسداران کمینده هم نبودند.

« روز شنبه ۲۳ خرداد در خیابان شواب مغوی یک جوان را عناصراستبداد با کلوله زده و او را مجروح ساخته و سپس دستگیر کردند و بدینگونه با دور عملیات وحشیانه ساواکی ها و کمینده های اقدام و انتقام حزب رستاخیز شدند!

« در تاریخ ۶۵/۳/۱۸ ساعت ۷ بعد از ظهر یکی از اقربان حزب ارتجاعی حاکم تحت الاسلام معادیخواه، به شهرک بازرگان شهری (شهرک بازرگان از جمله شهرک هایی است که در میان شاه معدوم در اطراف حرم شاه عبدالعظیم ساخته شده. این شهرک بین خیابان فدائیان اسلام و جاده یادآوران است) برای سخنرانی می رود. طی تبلیغات حدود ۱۵ الی ۱۵ نفر در مدرسه بازرگان جمع میشوند تا ایشان سخنرانی کنند. این فرد حدود یک ساعت به تعریف از صدر اسلام و این طرف میپردازد که حوصله جوانها سر می رود و یکی از آنها میگوید ما آب نداریم و اگر راست میگوئی برای ما آب لوله کشی مرتب تهیه کن و این حرفها قلابی است که جریان همگانی میشود. هر چه دعوا بالا میگیرد تعداد شنوندگان بیشتر میشود (حدود ۲۰۰ نفر) تا به ابتکاری از کارگران حاضر در محل بحث مبارزه با حزب و طرفداری از بنی صدر پیش کشیده میشود و جمع شروع به دادن شعار مرگ بر بهشتی و درود بر بنی صدر و مرگ بر حزب میکنند. معادیخواه از پاسبان موجود در محل کمک میخواهد که طبق معمول پاسبان نیز خدا و بوده و حرکت نمیکند و افراد محل میکروفون را میگیرند که همراهان معادیخواه برق را قطع میکنند و همه جا تاریک میشود. بهر حال تعدادی از میز و صندلی ها شکسته میشود و پاسداران وی وارد عمل میشوند و با تلک چند کلوله معادیخواه را از دست مردم نجسات میدهند.

« در تاریخ ۶۵/۳/۱۸ تا پاسی از شب شهری شاه مبارزه ای بی امان علیه حزب منحوس و ارتجاع خیانتکار حاکم بوده است. کارگران شبکار می گفتند تا ساعت ۹/۳۰ شب که به کامیآ مدند هنوز کشمکش و درگیری و تیراندازی وجود دارد.

« چندی قبل عده ای پاسدار با یک مینی بوس به محله رهبر در خاک سفید آمده و یک خانه را خراب کردند. زنان محله مقاومت قهرمانانهای از خود نشان داده و عمل فداانقلابی آنها را محکوم کردند و دست به افشاگری زدند. پاسداران تلاش میکردند با سخنرانی از بلندگو عمل شکنج خود را توجیه کنند. اما یکی از زنان بلندگو را از دست آنها گرفته و شروع به افشای آنها کرد. پاسداران او را گرفته و مضروب ساختند. جریان بدین شکل پایان گرفت.

« هفته قبل یک ماشین اداره برق در خاک سفید مشغول قطع کابل های برق منطقه (که توسط خود مردم کشیده شده) بوده است. یکی از بچه های محل که در همانجا دکهدارد، متوجه آنها میشود و فوراً همه را خبر میکند.

بقیه در صفحه ۸۰

« روز چهارشنبه ۲۵ خرداد در خیابان فردوسی در مقابل محل سابق جمهوری اسلامی کمینده های دختر جوانی را که اسبداران خیانت پس را افشاء میکرد و مورد حمله قرار دادند و او را با کوسدن ز - ۳ بر صورتش مضروب نمودند. در این میان جوانی بنام حسین میرزایی از میان مردم به این عمل و فبیحانه اعتراض میکند. کمینده های و پاسداران استبداد که از اعتراض مردم به وحشت افتاده بودند با کلب مغزا و پریشان میکنند. اسبداران مربوط به کمینده منطقه ۹ بوده و از یک بنزرد بدون شماره پیاده شده و اسب جنایت هولناک را مرتکب میشوند.

جنازه که مدت ۴۵ دقیقه در میان مردم بود. پنج ناسنس هزار نفر از خیابان سرکرد محیی تا میدان خمینی جمع شده بود و با شعارهای مرگ بر بهشتی و حزب حما فیدستان یا بدیره کسور - سنان و مرگ بر رجایی و درود بر بنی صدر نفرت خود را از رجاعیون مستبد و وطن فروش ابرار میکردند.

با اواخر بعد از سه ربع کمینده ای هایک نبیان براز حسرتب الهی ها آمدند. چهار ربع آمولاتن هم آمدند و با اواخرها منبع آب و ماشین های آسبشانی خون بر زمین ریخته، شهبند رانند، به این گمان که کوبا میتواند نندنگ استبداد را از وحدان سدار مردم آرا دیخواه پنهان دارند.

کمینده های مسند ماشین های شخصی و لباس شخصی اما مسلحه انواع سلاحهای کرم به محل آمدند و خیابان را مامند ساواکی ها تری کردند. اسبداران اسبدار با ماشین های

سرسماره: بهران ه - ۲۲۸۳۶

سرسماره: بهران ۲۲ - ۸۸۱۷۹

سرسماره: بهران م - ۹۴۸۱۳

سرسماره: بهران الف - ۲۶۱۱۸

سرسماره: بهران ۲۲ - ۴۷۵۶۳

زوی سرکا هوسی شماره: ۵۶۱۸۵

در محل حاضر شده بودند و مبارین را دستگیر میکردند.

« شنبه شب ۲۱ خرداد گروه جوانان موجود و بکرجوانان محل در خیابان خرمسهر سب دخانیات تظاهراتی بر علیه حزب جما فیدستان جمهوری اسلامی ترکزا کردند. عوامل کمینده که از ستاد مرکزی فرمان تلک دریافت نموده بودند، مردم را به کلوله بستند و یک نفر کشته و دوش زخمی شدند. هنگام حمله عناصر کمینده ای به مردم تلفن های خیابان خرمسهر قطع بود تا خبر جنایت بکوش مردم نرسد.

« پنجشنبه شب ۲۱ خرداد تظاهرات ضد حزبی در میدان فردوسی حربان داس و مردم به یک سز که عناصر کمینده ای در آن بودند حمله کردند و به آن سگ زدند. پاسداران کمینده از تروی ماشین با کلوله ۶ نفر را بقتل رساندند.

« روز جمعه ۲۳ خرداد ساعت ۵ بعد از ظهر دختر جوانی را در خیابان فاطمی تقاطع خیابان کارگر به شیع ترین وضعی مورد حمله قرار دادند. جوانی که به اعتراض به این عمل برخاسته بود توسط پاسداران مورد ضرب و شتم قرار گرفت و باز - ۳ بر صورت او کوفتند و نمايش دیگری از اعمال محمدرضا شاه و ارار اجسرا

گزارشی از بزرگترین تظاهرات ضد حزبی همدان

ارتجاعی "، "ملت پیرواست، حزب چماق نابوداست"،
"رحایی بیسوادملت تورانی خود"، "بنی صدر، بنی صدر
مقاومت مقاومت"، "ملت ما بیداراست، از حزبیان بیدار
است"، "سپهالارایرانی بنی صدر"، "دروبربنی صدر"،

توطئه عزل رئیس جمهور توسط مجلس کذابی! مردم برخیزید و این مجلس را بر سر نمایندگان حزبی اش خراب کنید!

مجلس کذابی حزبی، می نمایم که از دیدگاه ملت
مذاکرات خود را برای تکمیل
کردن توطئه کودتای ننکیسن
حزبی آغاز کرده است، و با مصالح
میخواهد رئیس جمهور، آقاسی
دکتر بنی صدر را عزل کرده و
را به محاکمه بکشد، ما به همراه
همه مردم ایران که از استبداد
و وطن فروشی حزب جمهوری اسلا
می، و همه دم و دستکاش، از
دولت خائن رجایی تا شورای
نکبهان تا مجلس کذابی تا
شورای عالی بهشتی به تنگ
آمده اند، این اقدام کودتای
کرانه را محکوم کرده و اعلام

اخبار مبارزات مردم...

مردم به طرف آنها هجوم برده و آنها را محاصره کردند. هر کسی
چیزی میگفت، یکی میگفت "اینها را باید بکشیم" و دیگری می
گفت "اینقدر میزنیم تا دیگر اینطرفها پیدا نشان نشود" یکی
هم میگفت که "اینها مقصرا علی نیستند اینها همه اش تقصیر
دولت است" و....

برقیها که وضع را اینطور می دیدند میگفتند میخواهیم برق
دولتی رسمی به شما بدهیم! این رسمی نیست. در این بین یکی
از معتمدین محل که یک حاجی است به دفاع از برقیها بلند میشود
و میگوید: "کاری به اینها نداشته باشید اینها ما موروثی هستند
هستند" مردم جلوی اومی ایستادند و برقیها را میروند.

روز پنجشنبه ۲۱ خرداد ماه ساعت ۶ بعد از ظهر در مقابل
فروشگاه قدس بالاتر از میدان ولی عصر تظاهراتی بر علیه چماق
داران حزبی با شعار دفاع از بنی صدر برگزار شد. نیروهای
طرفدار آزادی ابتدا بر علیه چماق داران استبداد حمله کرده و با
سنگ و چوب آنها را فراری دادند. آنها هر یک بطرفی میکریختند.
ده دقیقه بعد چماق داران و اوپاشان با فتنه بوار بر موتور و
وانت به محل سرازیدند و با کابل و زنجیر و چاقو به مردم حمله
کردند. با سواران این نیروها را همراهی میکردند و کمیته چماق
در ماشین چپ رهبری عملیات را بر عهده داشتند. چماق داران به
درون مغازه ها ریختند و ضرب چاقو مردم را که بطرفداری از رئیس
بقیه در صفحه ۹

در تاریخ ۶۰/۳/۱۱ (دوشنبه) احمد سلامتیان نماینده
مردم اصفهان در مجلس برای کشایش دفترها هنگی به همدان
آمده بود. در جریان سخنرانی طبق معمول مغولهای چماق دار
حزبی به مردم و سخنران حمله کردند. در این حمله تعدادی زن
و بچه و مرد و خود سخنران زخمی شدند. ما مورین شهرانی بدون
سلاح در سخنرانی برای حفظ نظم حضور داشتند. در جریان حمله
چماق داران مسلح (کار، قه، سنگ، تخم مرغ، نیزه) به
سخنران، ما موران به مقابل با حاداران برداشتند که در
نتیجه تعدادی از ما موران سهرانی زخمی شدند. فردای آروز
یعنی در تاریخ ۶۰/۳/۱۲ (دوشنبه) مردم در ساعت ۵ بعد از ظهر
با در دست داشتن عکس بنی صدر و پرچم سرنک با آرم جمهوری
شروع به راهپیمایی و شعار دادن کردند. بعد از حدود یک ساعت
تعداد جمعیت به ده هزار نفر رسید. حدود ساعت ۶/۳۰ دقیقه چماق
داران که تعدادشان حدود ۴۰۰ الی ۵۰۰ نفر بود، به راهپیمایی
حمله کردند! اما چون توان مقابله با مردم خشمگین را نداشتند
با به فرار گذاشتند و جمعیت با شعار "چماق داران بیچاره، یا به
فرار میزازه" به راه خود ادامه داد. چماق داران بعد از جمع کردن
تعدادی دیگر از یاران حزبی و غیر حزبی خود برای زور آزمایی
مجدد با مردم وارد میدان شدند و دو خود را ساعت ۹ شب (تا
تاریک شدن هوا) ادامه یافت. درگیری در این راهپیمایی
بیشتر شکل پرتاب سنگ را داشت.

شعارهای مردم عبارت بودند از: "حزب چماق بدستان،
باید بره کورستان"، "دروبر بنی صدر"، "مرک بر بهشتی"،
"رجایی، رجایی عامل ارتجاعی"، "دفترها هنگی ایجاد
باید کرد"، "مرک بر رجایی"، "بنی صدر، بنی صدر مقاومت
بقاومت"، "بنی صدر، بنی صدر خدا نکند ارتو، بمیرد، بمیرد،
دشمن خونخوار تو"، "بنی صدر، بنی صدر حمايت می کنیم".
شعارهای چماق داران: "خدا پا خدا یا تا انقلاب مهدی
خمینی را نکند"، "حزب الله، پیشمرک روح الله"، "تا
مرک شاه دوم نهضت ادامه دارد"، "مرک بر بنی صدر"، "درو
بر رجایی"، "درو بر بهشتی".

روز بعد یعنی (چهارشنبه) نیز مردم در میدان خمینی
این شهر از ساعت ۵ کرده بودند تا خشم و نفرت خود را از جنا
یست ها و وطن فروشهای این حزب پلید نشان دهند. در ساعت
۶/۳۰ دقیقه جمعیت شروع به راهپیمایی کرد. تعداد جمعیت به
اندازه روز قبل بود و همچنان عکسهای بنی صدر و پرچم سرنک
در دست داشتند. اما امروز چماق داران خبری نبود. آنها در
گوشه ای خزیده و جرئت مقابله با مردم را نداشتند. جمعیت در حین
راهپیمایی به جلوی دفتر حزب جمهوری رفته و خشم و نفرت خود
را با شعار "حزب چماق بدستان، باید بره کورستان" اعلام
کردند. در جریان راهپیمایی دهکده های کتابفروشی چماق داران
را (البته بسته بودند) داغان کردند. تظاهرات در ساعت ۹/۵
شب به پایان رسید.

شعارهای مردم عبارت بودند از: "حزب چماق بدستان،
باید بره کورستان"، "مرک بر بهشتی"، "رجایی، رجایی عامل

کارنامه ...

بقیه از صفحه ۸

همه مسئولیتها و کمبودها را به گردن مجلس خواهند گذاشت" (روزنامه جمهوری اسلامی ۲۵ مرداد ۱۳۵۹ - از زبان علم الهدای - سامنده، حری)

البته با کینه بخدا ریم که مجلس برای اینکه ملت به هیچ وجه از این "ماجرای بوی نبرد، بدمت سرور شما" حالت فسوق - العاده!! علام کرده بود و در پست درهای بسته و در جلست مخفی به این "مقام بازی" مشغول بودند. ولی بالاخره از حق هم بگذریم، مجلس که نمی تواند دیرجی را سرار مملکتی را که میسوا بدینمع "دسم" تمام سود، همبطنوری علمی و آشکار به بحث و فحص بگذارد!!

بسی صدرها شومع در روزنامه انقلاب اسلامی نوشت:

"اگر من ستانم بر دعوا و این حرفها بود خیالی راه خوبی داشتم. هم با حزب میتوانستم دعوا راه بیندازم و هم با مجلس. آنهم اینجور بود: بروع میکردم یک بیک نخست وزیر معین کردن و آنها هم رد میکردند. درسته؟ دبکریش از این که نمیشد. چند نفر را رد میکردند؟ ما شاء الله ۳۶ میلیون جمعیت داره ایران "لاکن" من بنا - یم بضعف مجلس شست و "این است که این کار را نکردم و به صلاح کشور و به صلاح انقلاب شما نیافتم" (یکشنبه ۱۹ مرداد ۱۳۵۹)

بعضی ها مایل را دیر میفهمند، بنا با حزب جمهوری و داد رودسته، خبیث رهبری کنند و اش دارودسته ای که استقلال و آزادی ایران را به حراج و تاراج گذارده اند، بر دعوا هست و باید باشد. ملت ایران با حزب و این مجلس حزبی و هرکاری که کرده است دعوا دارد، و موقع دعوا با سد محکم سرجای خود با بستن و این کار فقط به صلاح کشور و به صلاح انقلاب است، اگر ملت آن موقع دعوا میکرد دیگر امروز احتیاجی نبود که آقای بنی صدر بگوید "بحث آزاد بگذارد، تا ما برای انتخاب رجایی را فاش کنیم".

بهر حال اینکه جناب رجایی چگونه نخست وزیر شد و بدست چه کسی و چه نهادی به این مقام رسید، امروز دیگر از اهمیت درجه اول برخوردار نیست. ما فقط برای اینکه وارد بررسی "تاریخی" شده ایم به اینکار دست زدیم. آنچه که امروز از اهمیت درجه اول برخوردار است آنست که این مجلس و این دولت هنوز هستند و تاخت و تازشان هم شدت یافته است. و فکر میکنیم دیگر امروز آقای بنی صدر هم قبول داشته باشد که بنا بر دعوا با حزب و با مجلس و گذاشت!

با انتخاب رجایی و تشکیل دولت "مکتبی" (آنهم مدد مردم مکی) "و" حوان "و" قاطع "سکر دیکری در قدرت سیاسی از جانب حزب فتح گردیده بود و راه برای رسیدن به منزل مقصود باز شده بود: راه استقرار استبداد و آزادی کشی، راه خیانت ملی و لکدمال ساختن استقلال! مجلس با ۱۵۳ رای، "رای اعتماد" به این راه سرا سر خفت و شنگ و خواری داده بود! این هم "کار" مثبت و "تاریخی" دبکری از مجلس!!

ادامه دارد

فاجعه زلزله کرمان را به ملت ایران تسلیت می گوئیم

زلزله در کرمان جان هزاران نفر از هم میهنان ما را گرفته و ضایعات بسیاری برآورد و است. بسیاری خانه ها ویران شده و آبادیهای متعددی به مخروبه تبدیل گردیده است. اتحادیه کمونیستهای ایران خود را با اهالی کرمان و همه خانواده های داغدار در غم این مصیبت شریک میدانند و از همه هم میهنان دعوت میکنند که به یاری مردم آن سامان بنایند. مصائب طبیعی از قبیل زلزله و سیل و... در کشور ما همواره بدلیل فقر و فلاکت نوده های ستم دیده و نا کواری وضعیت مسکن و بهداشت و کمک رسانی باعث قربانیان فراوان بسوده است. غارت کشور توسط امپریالیستها و حاکمیت مرتجعین مسال پرست و سود جو موجب اصلی این فقر و فلاکت و بنا بر این مقصر اصلی در بوجود آمدن این چنین ضایعات نا کواری بوده است. امروز هم سران حزب جمهوری اسلامی که هر روز چنگال خود را بیشتر از روز پیش بر مقدارت اهالی کشور فرو میکنند میراث داران همان مرتجعینی مانند محمد رضای خاثن هستند که کشور را به تاراج بیگانه میدهند و از نظامی که فقر و مسکنت توده های مردم محصول آن است پاسداری میکنند.

آنها یقینا مانند رژیم محمد رضا شاه خواهند گوسید تا امروز بنام کمک به زلزله زدگان برای خود و جاهت کسب کنند اما مردم ما باید بدانند که اینان در واقع خودشان در بوجود آوردن این وضعیت مقصرند.

کمک به هم میهنان زلزله زده را با مبارزه با مرتجعین خودکارانه و وطن فروش بیوفته دهنده هم!

درباره توطئه علیه رئیس جمهور (اطلاعیه)

دیشب جمعه ۲۲ خرداد توسط جماعتی از چاقداران حزب - اللهی با سلاحهای کرم و سردیه منزل رئیس جمهور حمله شد و قصد داشتند که وی را ترور نمایند. بنی صدر رئیس جمهور کشور طوسی پیاپی به مردم گفت که میخواهند به جان او سوء قصد کنند. مردم تهران! برای حمایت از رئیس جمهور و مقابله با جانباختن خاثن، که مشتی او باش خبیث و وابسته به حزب حاکم هستند، در اطراف منزل ایشان جمع شوید و مرتکبانی را خود بدست گیرید.

شنبه ۲۳ خرداد

اتحادیه کمونیستهای ایران

اخبار مبارزات مردم و...

جمهوری ساردا ده بودند بیرون میکشیدند. همچنین نیروهای استبداد راه را بر ما شینهای که در خیابان صدق رویه با لادر جرکت بودند بسته بودند تا هم بتوانند سارده ترس کوپ کنند و هم این که فاجعه چاقا قذاری را مردم شاهده نکنند و نشینند که چگونه چاقا قذاران افتخارات مزدوران رضا شاه قلد را در خیابانها تکرار میکنند.

چرا مجله آمریکائی درست در جریان کودتای خزنی نقشه تجزیه ایران را چاپ می زند؟!

اینست آن "سناریو". آیابین این "سناریو" با آن قرارداد تاریخی ۱۹۰۷ که ایران را به دو قسمت بین روسیه، تزاری و امپریالستهای انگلیسی تقسیم میکرد، تساهبات و آفری دیده نمیشود؟ آیابین این "سناریو" و بنیادهای کودتا کرانه، حزبون و ناشیهای نوکران ابرقدرت روس، رابطه ای برقرار نیست؟ فراموش نکنیم که نحوه های سازش بین دوا بر قدرت سرسرخه کردن انقلاب ایران چندبست که سبیده می -

همانطور که خوانندگان عزیز ما اطلاع دارند، یک کودتای حزبی بر علیه آزادی و استقلال ایران در جریان است که برهبری دارودسته، سپس - آت به پیش میرود و دسته های مشکوک حون گروه مل دکتور حیران، گروه فدائیان اسلام، فرماندهان ارشدی در آن مبارک دارند و در پیشانی بی ثابته نوکران ابرقدرت روس - حزب بوده و فدائیان (اکثریت) - نیز برخوردار دارند.

در چنین موقعیتی محله آمریکایی سوزوک به بار رسد ۸ روس ۱۹۸۱ (۱۸ خرداد ۱۳۶۰) به شدت بحاورت سرک آمریکا و سوروی را بعنوان یک "سناریو" چاپ کردند. انکه این سند خنجر "سناریو" است باشد، فعلا به ترجمه آن بوجه بر ما رسد:

"ما نوحده موجب نیروی برتری عددی نیروهای روسی در منطقه، ایالات متحده با تدابیر اساسی همدارهای اطلاعاتی عمل کنند و اگر میخواهد اخلال در طرح فارس دفاع کنند، باید اینکار را اولیاء را در دست داشته باشد، ... سایرین در اولین ناهای آمادگی سوروی برای مداخله، پتانکون (وزارت جنگ آمریکا) ممکن است سناریوی زیر را به اجرا بگذارد:

۱ - یک بریکه دار زینتکداران آمریکایی در اوکباوا (در نزدیکی زاب) به منطقه افیانوس هند فرستاده میشود تا به دو گروه و های هواپیما بر آمریکا ملحق شوند.

۲ - گشتی های آماده و حامل وسایل جنگی جزایر دیا کوکا رسا (در مرکز اسیانوس هند) را به قصد خلیج فارس ترک میکنند.

۳ - ایالات متحده خواستار اجازه عربستان سعودی برای پیاده کردن نیرو در دهران (در آن سوی خلیج فارس) خواهد کرد. اگر حمله سوروی فوری بنظر میرسد، ایالات متحده ممکن است تصمیم به یک حمله برای تصرف حوزه های نفتی ایران بگیرد.

۴ - تفنگداران دریائی در بندر عباس پیاده می - شوند تا تنگه هرمز را در کنترل در آورند.

۵ - نیروهای دریائی آمریکا وارد خلیج فارس شده و تفنگداران دریائی را در آبادان پیاده خواهند کرد.

۶ - بریکه دها برد آمریکا که در عربستان سعودی مستقر شده به آبادان پرواز داده میشوند تا فرودگاهها را تصرف کنند. گشتی های آماده به دهران خواهند رفت تا به بریکه دهای تفنگداران آمریکایی که از کالیفرنیا پرواز داده شده اند ملحق شوند.

۷ - جنگنده های آمریکایی علیه گذرگاههای زاکرس وارد عمل میشوند تا از پیشروی نیروهای شوروی جلوگیری کنند. نیروهای آمریکایی بوسیله سپاهیان که از ایالات متحده از طریق وارد میشوند تقویت خواهند شد.

"حکامندرسون روسا مدکار آمریکا ای اخبار گزارشی در مورد ایران میسر با حدود مدعی شده است که اتحاد سوروی در حیران تساهبات محرمانه با آمریکا شهبای مسئول و دارای مقامهای حساس مسئله امکان بحرسه خاک ایران بمناطق سوروی و آمریکا را مورد بحار قرار داده است." (از رادوسکو - کیهان - ۱۹۵/۱۰/۱۶)

و همین حدود زینتکداران کودتا کری حزب جمهوری اسلامی بود که سفیر اسبق آمریکا در سوروی، وجود چنین مذاکرات امپریالستی بین دوا بر قدرت را مورد تائید و تائید مجدد قرار داد.

از این رو است که میگوئیم ملت ایران باید ناطقانه دست به اقدام بزند و این کودتای خائنه را درهم بشکند و سران مرتجع و بیگانه پرست حزب جمهوری را به مجازات برساند!

کمکهای مالی دریافت شده

نام	کد	مبلغ	شهر
م - الف	۸۸	۱۱۵۰۰	تهران
م - ب	۸۸	۲۰۰۰	"
م - س	۸۸	۵۰۰	"
م - ن	۸۸	۵۰۰	"
م - ع	۸۸	۸۰۰۰	"
م - آ	۵۵	۳۰۰۰	سنندج
محمد	۱۵۰۰		"
مادر یکی زرفقای شهید	۳۰۰۰		"
الف - پ	۵۰۰		محمودآباد
ش - ج	۵۰۰		آمل
الف	۲۵	۱۰۰۰	"
ع - الف	۱۵۰۰		"
ن - الف	۱۶	۴۰۰۰	گنبد
ط - ر	۵۰۰		بندر ترکمن
ر - آه	۵۰۰		اصفهان
رفیق مادر - ز	۸۰۰		"
ج - ن	۱۰	۵۰۰	"
صدیقه - ق	۵۰۰۰		"
سلاج	۴۰۰۰		"
رفقای - و	۷۵۰۰		"
بهرام	۵۰۰۰		تهران
خ - و	۴۰۰۰		قزوین
ج	۲۰۰۰		"
ق - م	۱۰۰		"
م - ی	۲۰۰۰		"
م - ی	۱۵۰۰		"
م - ر	۱۵۰۰		"

رفقا و دوستان عزیز بعلت فشردهگی مطالب و کمبود جا صرفا بخشی از کمک های مالی دریافت شده را درج نموده ایم و امیدواریم که بتدریج موفق به درج تمام آنها شویم. نشریه

دعوت گروهی از شخصیت‌های مبارز جهت مراجعه به آراء عمومی

سسام خدا

هم میهنان عزیز، مردم انقلابی ایران
احلافات بس مسئولین مملکت و همچنین تشنج حاکم برفضای
سیاسی کشور به جایی رسیده که اکنون دیگر حادثترین مسائل
جامعه را تحت الشعاع خود قرار داده است. قریب به یکسال
است که حضرت امام به صورت مختلف گاه به ترمیمی و گاه به تنگدستی
سران مملکت را دعوت به کناره‌گذاری اختلافات کرده اند که در
طول این مدت نصایح ایشان کوچکترین اثری در حل و کفایتی از
روند و کجکیری این رودرروئی‌ها نداشته و حتی بیابیه ۱۰ ماده -
ای و هیئت سه نفری حل اختلاف نیز با هیچ از گسترش این اختلافات
سودها سپید.

به نظر ما این اختلافات ریشه در مسائل موجود در جامعه دارد
و نتیجه عملکرد حزبی است که در طول دو سال و اندی که از سپروزی
انقلاب میگذرد بیا هروسبیل‌های تمامی اهرمهای قدرت را به
احضار خود درآورده و در اینکار رتا آجا پیش رفته است که با تحت
تعوض در دادن مجلس و قوای قضائیه و مجریه و حتی هیئت سه
نفری نمیدارد که با حذف اولین رئیس جمهور منتخب مردم این
آخرین سنگ را نیز تسخیر کنند.

علیهذا اکنون که برای اداره مملکت از شیوه‌های رائج
و معمول در کشورهای جهان از قبیل رفرا ندوم و انتخابات
مجلس موسسان و مجلس نورا و ریاست جمهوری و غیره استفاده
نمده است، تنها راه خروج از این بن بست این است که مردم خود
"که میران رای آنهاست" برای ریشه کن کردن اختلاف و حیل
بحران خطرناک فعلی بسبب به سرنوشت خویش اظهار نظر کنند،
همانگونه که در همان کشورها اگر کار را اختلاف ارکانهای مملکت
به حاللی شبیه به وضع کنونی برسد مسئله با رفرا ندوم و مراجعه
به آراء عمومی حل میشود.

ما از همه هم میهنان عزیز و کلیه گروهها و سازمانهای
انقلابی و شخصیت‌های ملی و مبارز و متعهد و مسلمان میخواهیم
که به انحاء مختلف موافقت خود را با مراجعه به آراء عمومی برای
تعیین تکلیف مملکت اعلام نمایند.

طاها احمدزاده (مشهد) - (آیت الله)
محمدتقی عالمی (همدان) - بتول علائی
(همسر آیت الله طالقانی) - (حجت
الاسلام) - امیرمجدد حاج محمدشانه‌چی -
دکتر محمدملکی - احمدعلی بابائی - کاظم متحدین -
کاظم متحدین - مهندس حسین حرییری -
دکتر پوران شریعت رضوی (شریعتی) -
مهندس یزدان حاج حمزه - (حجت الاسلام)
جلال گنجهای - مهندس محمد قیبال -
محمدرضا اسلامی - ابوذرورداسبی -
مهندس نصرالله اسمعیل
زاده - حسین مفتاح - علی اصغر هتاجی
عبدالعلی معصومی - سید حسین حسینی -
مجید شریف.

تحریم نشریات حکومتی توسط گروهی از شخصیت‌های مبارز و اعتراض به توقیف نشریات

مردم قهرمان ایران!

بدنبال هجوم های پی در پی به نشریات انقلابی و ممنوع
الانتشار کردن آنها از ناحیه حجاج انحصار طلب حاکم، بالاخره
دیروز دوازدهم کسیرا انتشارات صبح و عصر (میزان و انقلاب) -
می (و چند روزنامه و نشریه دیگر توقیف شدند، تا زمینه‌های
حذف رئیس جمهوری که مقدمات آنرا بتدریج فراهم آورده و می
آورند بدون مقاومت و اعتراض عمومی آماده گردد. این رویداد
و همچنین گردآوری جماع بدستان در مقابل در ورودی و نشر
فحش و شعارهای زننده به بارهای از نمایندگان نا آجا که آنها
رسمی به رئیس مجلس سکا بیت برسد، ما را یاد اوائل دوران رضا
خان انگلیسی میاندازد که او با وارا دل را جلوی مجلس جمع
میکرد تا به نمایندگان مخالفت آن دوره حق بدهند، و مدسیران
و نویسندگان جرات را به تلاق میست و توقیف و سرور میکرد، و سد
آنچه شد، که تمهید قرار داده نفی داری یکی از آنها بود، زیرا که
دیگر قلم و زبانی باقی نمانده بود که جلوی این حیانتها را بگیرد.
ما هشدار میدهم که این اعمال - نه چندان دیر - کشور را
دچار استبدادی بمراتب شدیدتر از استبداد رژیم سفاک گذشته
خواهد گرد و جناح حاکم با تعطیل این نشریات میهن عزیزمان
را - بدون اینکه هیچگونه زمینه اعتراض و انتقادی باشد - مالا
بسوی وابستگی هر چه بیشتر به اجانب سوق خواهد داد.
ما ضمن تحریم کلیه نشریات وابسته به حزب حاکم و دولت
از مردم قهرمان میخواهیم که به یاداری از خون هزاران شهید
انقلاب خونبارمان (خاصه در این لحظات سرنوشت ساز که فرزندان
عزیزمان در دفاع از میهن به فداکاریهای عظیم دست میزنند)
همچنان که رئیس جمهور مملکت گفته اند در مقابل این زورکوشی
ها استقامت و مقاومت نمائید.

۱۸ / خرداد ۱۳۶۰

طاها احمدزاده (مشهد) - (آیت الله) محمدتقی عالمی
(همدان) - بتول علائی (همسر آیت الله طالقانی) -
(حجت الاسلام) - امیرمجدد حاج محمدشانه‌چی - دکتر
محمدملکی - احمدعلی بابائی - کاظم متحدین - دکتر
پوران شریعت رضوی (شریعتی) - مهندس یزدان حاج
حمزه - دکتر حبیب الله واران (رشت) - (حجت الاسلام)
جلال گنجهای - مهندس محمد قیبال - ابوذرورداسبی -
محمدرضا اسلامی - مهندس نصرالله اسمعیل زاده - حسین
مفتاح - علی اصغر هتاجی - عبدالعلی معصومی - سید
حسین حسینی - مجید شریف.

سر مقاله ...	پایه از صفحه ۳۸	پیمانی و سرانجام قیام بر علیه دشمنان جمهوری و امضاء کنندگان قراردهای ضد ملی فراخوانند.
برای دفاع از آزادی و استقلال کمر همت بست، دوباره باید اعتمادیات عظیم سراسری را سازمان داد و کمیته‌های اعتماد را بوجود آورد، و بلکه همه مردم را به اعتماد و نظاهرات و راه - قدم به پیش گذارد!		

با زدید "شهید زنده" از دانشگاه!

گوید: "به من توهین میکنی؟ میدانی من کی ام؟ من امروز معاون دانشگاه هم من دکترای روانشناسی دارم. تو باید از من عذرخواهی با همین امروز! کارت اسعاف بدهی و با تسویه به بیمارستان روانی منتقل میکنم!" بدیهی است تعریفه فحشا که کمپوب خوردن سه زن و یک مردنا محرم باشد، طبیعا مجازات مناسب آن و یا هر سرکشی دیگر هم به تشخیص معاون مکتبی و مدعی دکترا در روانشناسی کودکان عقب افتاده همانا اعزام مجرمین به بیمارستان روانی حواهد میبوی!

(به نقل از بولتن دانشگاه تهران - کانون مستقل اساتدان دانشگاه تهران - اردیبهشت ۱۳۶۰)

این است نسخه "انقلاب فرهنگی" کذابی و مکتبی. آن وحسری خرو و سلاهی که در کانونهای علوم و فرهنگ را مهر و موم کربط. طبیعی است که آدمهای ابله، روانی و بی جسم و روی که به نام مونس و شرف مردم این چنین توهین میکنند، از درون این "انقلاب" کذابی بیرون بیایند.

حمله اوباش به خانه رئیس جمهور

ساعت ۸ شب جمعه ۲۲ خرداد ۱۳۶۰، عده ای اوباش وارا ذل که چند روز است چون راهزنان در خیابانهای تهران رژه میروند، و بر خود نام "حزب الله" گذارده اند، به خانه دکتر ابوالحسن بنی صدر، ریاست جمهوری، حمله میبرند، برخی از مردم تهران که از این شیخون حزبی آگاه شده بودند، به طرف خانه رئیس جمهوری روند و این دا رودسته را فراری میدهند.

حمله این مواجیب بکیران استبداد زیر پرده دین به خانه رئیس جمهور، حلقه دیگریست از زنجیره کودتای حزبی که با مقاومت مردم، شکست خورده و سرافکنده فرار را برقرار ترجیح دادند. این حمله، یورش ارا ذل و فواحش شعبان بی مخ را به خانه دکتر مصدق و تاراج آن بدست آنها در کودتای ۲۸ مرداد را به خاطر میآورد.

این دا رودسته های اوباش که با می غلط اندازی چون تیپ ۱۲ و تیپ ۷ و تیپ ۲۲ و تیپ های شماره دار دیگر حزب الله را یکد می کنند، مواجیب بکیران دا رودسته کودتای حزب جمهوری اسلامی هستند، که دقیقاً نقش دسته های اوباش وارا ذل شعبان بی مخ جعفری را در کودتای ۲۸ مرداد بازی میکنند. این مواجیب بکیران فروما به ودون مفت که چون سگهای هار به مردم و اجتماعاتشان حمله می برند و با ملاح می خواهند دل مردم "رعب" و "وحشت" ببندد - زند، عده ای بزدل و ترسو هستند که با اولین حمله مردم، با اولین مقاومت مردم و ایستادگی شان، تمام "ابهت" شان بخاز شده و به هوا خوار رفت. این دا رودسته های ارا ذل و اوباش با مقاومت مردم از میان خواهند رفت و با ید بروند! در مقابل این چاقو کشان و زنجیریان حزب جمهوری با ید مقاومت کسر دو گوشمالی در خور حالشان بدانند!

آقای افروز که اخیرا حکم انتماب خود را به معاونت اداری و مالی دانشگاه تهران، ظاهر در ارتباط با بازگشت سلامت ایمان اروا فعه، اشغال سعادت ایران در لندن، رسما با عنوان "شهید زنده" دریافت داشته اند و اولین اقدام انقلابی ایشان پس از انتماب جدا کردن آنها فهای کارمندان زن و مرد در دبیر خانه، و ایجاد محیط رعب و اختناق در این محل در مقابل شهید سراز قبل بوده است، اخرا دست به زدن و زدن اسبده های مختلف تحت فیومت خوش زده اند

مؤسسه تحقیقات بین المللی بیوفیزیک و شیمی

تکمه قابل ذکر در این باره در فرمایشات آقای افروز درباره دسکاهای سردخانه این مرکز مجهز تحقیقاتی است. ارا این دسکاه که تا قبل از احداث ۷۰ درصد بر صفر را دارند برای نگهداری پروتئین اسفاده می شود. آقای افروز با هده این فریزرها (سردکن ها) اظهار می کنند که به بهر با نزدیک بودن فصل تابستان از این "بخال" ها برای تهیه بستنی برای مستضعفین پنحو احسن استفاده کرد!

دانشکده بهداشت

در روز چهارشنبه ۶۰/۲/۹ آقای افروز از دانشکده بهداشت باردید بعمل میآورد. اسناد ایشان با حالت تهaji به آیدار به خانه دانشکده وارد می شدند. در اینجا ۳ نفر از خنمهای کارمند دانشکده که برای چند دقیقه استراحت در وقت نماز به آنجا آمده بودند مسعول خوردن کمبوت سودا اند و مستخدم مردکروه که جوان بسیار محبوب و مودبی است بهر حضور داشته است. آقای افروز با داد و فریاد مستخدم را بیرون کنیده و با لحنی بسیار توهین آمیز میگوید:

"مرد که خجالت نمی کسی با سه زن نا محرم در ساعت کار اداری مشغول خوردن کمبوت هستی!!"

یکی از خنمهای کارمند که به اعصاب خود مسلط تر بوده است بهر خلاف سایرین که از وضعیت فوق مبهوت و هاج و واج شده و قنادر به صحبت کردن نبوده اند میگوید ما عمل خلافی انجام نداده ایم که برای چند لحظه استراحت و خوردن جای به اینجا آمده ایم و مستخدم دانشکده نیز مثل برادر ما است. آقای افروز مجددا با فریاد میگوید "تو میدانی که به شوهرت خیانت کرده ای که با مرد نا محرم نشست ای" خانم کارمند میگوید من اصلا ازدواج نکرده ام. آقای افروز میفرماید که "خوب به شوهر آینه دات خیانت کرده ای". و سپس به فرمایشات خود ادامه میدهند که: "بیخود نیست که میگویند این دانشکده خانه است". خانم منشی گروه که در اتاق خود در آنسوی گرید و ر متوجه سروصدای غیر عادی شده و برای اطلاع از وضع از اتاق خود بیرون آمده بود شا هاد این صحنه میشود و با شنیدن جملات موهن معاون "مکتبی" دانشگاه در یک محیط علمی بر آشفته شده داخل اتاق خود میریزد و در را می بندد. ساکها ن شهید زنده قریب دزنان در اتاق او را باز کرده می